



ابرای مردان سیبل استالینی

«ابرای مردان سیبل استالینی» شامل دو فصل است. رمان در بخش نخست خود - به نام «بیخت توران شاهی» - توران همسر آبنوس (فعال سیاسی و مخالف رژیم پهلوی) روایت می‌کند. او از چگونگی آشنایی خود با آبنوس شاعر، از نخستین آشنایی با او و همچنین جشن عروسی اش نکته به نکته حرف می‌زند و اگر تا نیمه‌های بخش نخست را بخوانیم به یک سری ناگفته‌هایی از درون اوضاع از هم پاشیده پس از کودتای بیست و هشتم مردماه دست می‌یابیم. این اثر نوشته محمداسماعیل حاجی علیان از سوی نشر ققنوس منتشر شده است.

دیدگاه

درباره رمان قربانی، اثر کور تز یوما لاپارته

در بند رنج دیگری

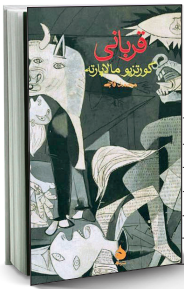
مهدی کربلایی

در مسیر جنگ‌های تاریخ شمار قربانیان معمولاً گواهی بر توختن بی‌امان دو جبهه جنگ قرار گرفتند که هم توان تقویت نظام‌های آماری را داشتند و هم بهترین وسیله برای غنای میراثی بلندمدت جهت بقای حس همدردی و دشمن‌ستیزی بودند. این جملات صرفاً یک گزاره خبری جهت حیرت و تاسف خواننده نیست و در پس خود انبوهی از غیبت‌ها را به نمایش می‌گذارد که شاید اصلی‌ترین غیبت نبود پرداختن صریح و صحیح به خود قربانی در تاریخ است. همین امر بهترین دلیل برای مواجهه با شاهکار بزرگ کور تز یوما لاپارته (۱۹۵۷-۱۸۹۸) یعنی کتاب قربانی یا کابوت (۱۹۴۴) که شاهکار ترسیم خردشدگان و نابودشدگان در تاریخ است. مالاپارته در مقدمه کتابش اشاره‌ای دقیق به فرآیند نگارش اثرش دارد که پس از سه مرحله نگارش که در کشورهای اوکراین، فنلاند و ایتالیا صورت پذیرفته سرانجام در سال ۱۹۴۴ به چاپ رسیده است. از جمله آثار مهم دیگر نویسنده

داستان قربانی اصلی جنگ

داستان قربانی قربانی (کابوت) روایت اروپا در بستر جنگ جهانی دوم است که نویسنده‌های چگون ناظری منزل به منزل این مواضع را سبزی کرده و با نگاه دقیق‌اش توانسته گزارشی داستانی ارائه دهد که جایگاه قربانی به شکلی دقیق ترسیم شده است. مالاپارته با کتاب قربانی، حال اروپایی را شرح می‌دهد که قربانی اصلی جنگ است.

بیش از آنکه در بند رنج خود باشد در بند رنج دیگری است، بی‌شک قربانی گواه همین امر است. مالاپارته همواره بدنام بود و او را آنارشیستی راست‌گرا تلقی می‌کردند ولی او نویسنده‌ای غیر معمول و مبارزی خستگی‌ناپذیر بود که نه زبان به مساوات‌طلبی و برابری خواهی می‌گشود و نه در بند سخن از فضایل انسانی بود. او تصویرگری از رنج نهان در تاریخ بود که بر مدعای خویش بنای ادبی سترگی خلق کرد و جاودانه شد.



- قربانی
- نویسنده: کور تز یوما لاپارته
- مترجم: محمد قاضی
- نشر: ماهی
- تعداد صفحات: ۵۲۲
- قیمت: ۴۸۰۰۰ تومان

بهرت است مثالی بزیم. رمان‌های بسیار بزرگی در تاریخ ادبیات همچون داستان قربانی مساله جنگ را روایت می‌کنند مانند کتاب «دواج با اسلحه» اثر همینگوی یا «مردها جوان می‌مانند» اثر آنا گرس. این شاهکارها روایت‌شان را بر اساس یک فعل از سوزهای انسانی پیش می‌برند و داستان خود را تکامل می‌بخشند اما در قربانی فعل از تاریخ سمر می‌زند و راوی را نویسنده از لابه‌لای وقوع وقایع گزارشش را روایت می‌کند. این بی‌شک از تجربیات نویسنده از امر گزارشگری می‌آید که در اثری تحت عنوان ولگا در اروپا می‌آید به بهترین نحو خود را نشان می‌دهد.

رمان قربانی در کنار مواردی که مطرح شد همیشه در حدی مشخص میان چپ و راست حرکت می‌کند و این کتاب را از گزند برچسب حمایت از ایدئولوژی خاصی حفظ می‌کند ولی از سوی دیگر ممکن است برچسب محافظه‌کاری را بر پیشانی خود بچسباند. حال واقعیت این است که مالاپارته قبل از هر چیز چنان که در تکنیک کودتا می‌گوید: من به جز یک نویسنده، یک هنرمند، و انسانی آزاد نیستم که

و رمان قربانی با احترام بدین اجساد مثله شده قربانی‌اش را می‌یابد و در اقسام شش‌گانه کتاب که هر یک بر گرفته از نام حیوانی است (اسب، موش، سگ، پرنده، گوزن و مگس) روایتش را آغاز می‌کند. این نام‌های حیوانی که خواننده در مسیر مطالعه بخش‌های کتاب دلیل نام‌گذاری‌شان را در می‌یابد یکی از درخشان‌ترین نکات کتاب است که در کنار فرم روایی‌اش اندوهی ژرف را بر دل خواننده می‌نشانند. کوه‌گانی که طعمه تک‌تیراندازها می‌شوند تا دختر کانی که از ترس دشمن روزهای بی‌شمار در گندم‌زارها پنهان می‌شوند.

سبدهی پر از چشم‌های انسان چون صدف‌های تازه در بایه یا چربی انسان به مثابه ابزاری برای تسهیل اصلاح صورت ساختار رنج اور کتاب را می‌سازند. اما درست همینجاست که خواننده باید بر احساساتش غلبه کند تا بتواند به‌درستی مضمون مالاپارته را در بیاورد. استفاده نویسنده از صور رنج اور برای مداحی کردن در دادگاه تاریخ نیست بلکه قوت‌بخشیدن بر فرم تاریخی جنگ است که کلیات را در نظر می‌گیرد و حسی گسترده‌تر را منتقل می‌کند.

می‌توان به کتاب جالب توجهش تکنیک کودتا (۱۹۳۱) که در پاریس انتشار یافت و رمان پوست (۱۹۴۹) اشاره کرد. وجه مشترک آثار مالاپارته ممنوع و سانسور شدن آثارش است که از این حیث با دو نویسنده بزرگ دیگر یعنی لویی فردینان سلین در فرانسه و کامیو خوسه سلا در اسپانیا قرابت فراوان دارد. اینان نویسنده‌گانی بودند که در حین توجه به طبقات فرودست در جامعه به‌واسطه زبان صریح و تند خود معمولاً در زمره طردشدگان قرار می‌گرفتند. هر چند دلایل سیاسی حیات آنان نگاه محکم‌تری بر چنین لعن و نفرینی است.

اما داستان قربانی (کابوت) روایت اروپا در بستر جنگ جهانی دوم است که نویسنده‌ای چون ناظری منزل به منزل این مواضع را سبزی کرده و با نگاه دقیق‌اش توانسته گزارشی داستانی ارائه دهد که جایگاه قربانی به شکلی دقیق ترسیم شده است. نکته جالب توجه داستان هم در وهله نخست شاید همین باشد که مالاپارته با کتاب قربانی حال اروپایی را شرح می‌دهد که قربانی اصلی جنگ است. مثله‌شده‌ای که در زیر بدن میلیون‌ها جسد دفن گردیده

فقهه

درباره «آفتاب‌دار»، نوشته احمد هاشمی

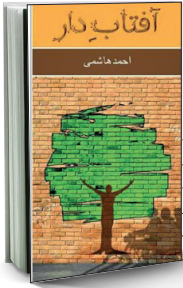
داستان زندگی آدم‌های متوهم

سعید کاویان پور

اول اشتباه است. خواستم تا به خط با تو باشم. کدام ته‌خط؟ می‌دانستم ته این خط این است که می‌روی، یکی منتظرت است. گیریم که جدا شده باشی. خودت گفتی که یک چیزهایی هیچ‌وقت با آدم نمی‌رود. تو یکی را داشتی این قبیل انتظار کشیدن برای رضا ناموسی است؛ یکی را می‌خواهد که اگر ۲۰ سال طول کرد و رفت، طرف منتظرش بماند و آنقدر از او مطمئن باشد که نرسد این مدت کجا بوده و با آغوش باز پذیرش باشد. مدام روایتش را فریاد می‌زند بلکه توجه دیگران جلب شود. اما وقتی می‌بیند توی باور رضا موتوری تنهاست، به پیر مردی دو موت پناه می‌آورد تا جای عباس قراضه قالیش کند.

این‌ها، واکنش آدمی تشنه است. سراسی که می‌بیند هیچ دلیلی بر وجود آب نیست. باید پیش برود تا با حقیقت روبرو شود. آدم‌های آفتاب‌دار، تا ته‌خط می‌روند. از اتفاق، دست خالی نمی‌مانند، از تنهایی درمی‌آیند. صحنه مکاشفه پای درختی است که به طرح روین جلد کتاب ارجاع می‌دهد: هرگاه بار یک نور از میان برگ‌ها رد شده و لابه‌لای سایه درخت، روشنائی باز کرده، رحیم را یاد اصل نفسش می‌اندازد.

«آفتاب درختی، آفتاب دار، پدرسزرگ من هم آفتاب‌دار بوده، رامش را از هر منفذی پیدا می‌کرده. حالا به مدت کوتاهی هم شغلتش آفتابه‌دار بوده.»



- آفتاب‌دار
- احمد هاشمی
- نشر نیلوفر
- ۱۵ صفحه
- قیمت: ۹۵۰۰ تومان

«آفتاب‌دار» به اذعان پشت جلدش، ماجرای آدم‌هایی است که با قاعده خودشان زندگی می‌کنند؛ آنها از خیالات‌شان تصویری واقعی دارند. آرزوهایشان آنقدر دور از دسترس شده که به خیالشان پناه آورده‌اند. همگی توهم دارند؛ رحیم، همه‌قیافه‌ها را آشنا می‌بیند و از همه‌قیافه‌های آشنا می‌ترسد. مدام بومی‌شدن و از این طریق آدم‌ها را به خاطر می‌آورد. مسیرش را از روی بوی پیدا می‌کند. رضا فقط خوره فیلم نیست؛ زندگی را بازی می‌کند. وقتی حس می‌گیرد و دیالوگ فیلمی را می‌گوید انتظار دارد طرف مقابل پسا به پایش بسازی کند. جوری در قالب شخصیت رضا موتوری فرورفته که می‌خواهد انتقامش را بگیرد. نگران تنهایی عباس قراضه است که بعد مرگ و فیش کسی را ندارد. پس که با هم‌قهران فیلم بیلیاردباز هم‌دلتاننداری کرده، باورش شده بازنده به دنیا آمده و با این پناه روی شکست‌های زندگی‌اش سرپوش می‌گذارد. بدی احساس می‌کند دایم تعقیب می‌شود، حتماً ماموری کمین‌نشسته و الان است گشت نیروی انتظامی آژیر بکشد. اسد خیالاتی هم شک ندارد یکی حقش را خورده، هر روز توری آدرامای پرسه می‌زند و دنبال مقصر می‌گردد.

این توهم‌ها به خودی خود زیان‌بار نیستند. زمانی مشکل‌ساز می‌شوند که دیگر به کار تسکین دردها نمی‌آیند. در آن شرایط در مبتلا ناچار است خیالاتش را به دیگران بقبولاند.

آدم‌های این داستان، خیال پولدار شدن دارند. وقتی این توهم خدشه‌دار می‌شود به کلاهبرداری روی می‌آورند. شرکت‌شان تعطیل شده، کلی بدهی دارند ولی کمک‌ماکان مصرع درخشان را پولدار جا‌بزنند. ناگهان عشقی رحیم هم از همین سنخ است. همه عمر از وابستگی فرار کرده، ترسیده به کسی دل ببندد و طرف‌راهی کند با این حال خودش را عاشقی تمام‌عیار می‌داند و اصرار دارد این توهم را به بارش ثابت کند: «بای کاری ایستاد که می‌دانستم از



آفتاب درختی

آفتاب‌دار

پدر بزرگ من

هم آفتاب‌دار

بوده، راهش را

از هر منفذی

پیدا می‌کرده.

حالا به مدت

کوتاهی

هم شغلتش

آفتابه‌دار

بوده...

کتاب

نگاهی به رمان «مهمانی تلخ»

جذاب با چاشنی دلهره و هیجان

امیرعباس کلهر

چند وقت پیش از سیامک گلشیری پرسیدم که روزی چند ساعت می‌نویسد. گفت که هر روز می‌نویسد اما در ساعات مشخصی در روز مشغول نوشتن است. نویسنده‌ای که تا ساعتی قبل از سال تحویل هم مشغول نوشتن است حتماً چنان پیشرفت می‌کند و در کارش تبحر پیدا می‌کند که اینجا به شما پیشنهاد دهم اگر می‌خواهید با خواندن کتابی دلهره، هراس، ترس و هیجان را تجربه کنید، «مهمانی تلخ» سیامک گلشیری را بخوانید؛ کتابی که حرکت قلب شما را تندتر می‌کند اما در نهایت از آن لذت می‌برید و سرخوش از خواندن یک رمان ایرانی می‌شوید.

سیامک گلشیری به خاطر ذهن قصه‌پرداز و نثر خاص خود در طول سال‌های گذشته مخاطبان زیادی پیدا کرده و داستان‌هایش چنان پر ظرفیت و دوست‌داشتنی هستند که باید وقت گذاشت و هر کدام از آنها را خواند، چون او اسیر ترس نمی‌شود و هر بار قصه و ماجرای تازه‌ای در ذهن دارد که آن را تبدیل به داستان می‌کند.

گلشیری در مهمانی تلخ چنان با ظرافت جزئیات را بیان کرده که انگار شخصیت‌های داستان زنده در جلوی روی شما هستند. بهتر است بگوییم که وقتی مهمانی تلخ سیامک گلشیری را می‌خوانید انگار در حال تماشای یک فیلم سینمایی در زائر هراس و ترس هستید. هم‌زمان عینک سبده‌ای هم به چشم زده‌اید و صحنه‌ها را به‌طور واقعی در جلوی روی خود می‌بینید یا خود را در اتفاقات کتاب حس می‌کنید.

به این شکل با یک تیر دو نشان زده‌اید. یعنی هم کتاب خواننده‌هاید و هم در ذهن خود بر اساس روایت‌های آن‌ها یک فیلم دیده‌اید. داستان مهمانی تلخ از جایی شروع می‌شود که رامین ارژنگ که استاد دانشگاه است، در اتوبان منتظر ماشین است که یکی از شاگردان قدیمی‌اش به نام تورج او را می‌بیند.

تورج سال‌ها پیش از دانشگاه اخراج شد و یکی از عاملان

کرد چرا که باید از اول تا انتهای داستان خوانده شود تا دلهره و اضطراب به خواننده منتقل شود و با خواندن تکه‌ای از آن حق مطلب ادا نمی‌شود. اتفاقات درون داستان مهمانی تلخ در یک شب و طی چند ساعت اتفاق می‌افتد. برای همین هم خیلی سخت می‌شود، کتاب را زمین گذاشت و بعداً به سراغش آمد.

از آن کتاب‌هایی است که وقتی شروع به خواندنش می‌کنید، می‌خواهید یک نفس تا انتهایش را بخوانید. در طول داستان مدام منتظر هستید که صفحه بعد را ورق بزنید و ببینید دیگر قرار است چه اتفاقی در داستان رخ دهد. قدم به قدم با اوای داستان که همان استاد دانشگاه (رامین ارژنگ) است جلو می‌روید.

گاهی در دل تان به او فحش می‌دهید و گاهی هم با او همراهی می‌کنید. گاهی در کنار دانشجو اخراجی (تورج) قرار می‌گیرید و برایش دلسوزی می‌کنید و گاهی هم از کارهای او عصبانی می‌شوید. اما در نهایت گلشیری

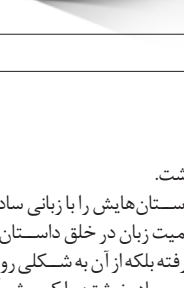
قضاوت در مورد شخصیت‌های مهمانی تلخ را به عهده خواننده گذاشته است و خودش هیچ نظری را به خواننده تحمیل نمی‌کند. رمان مهمانی تلخ نامزد دریافت جایزه بهترین رمان جشنواره مهرگان بوده است. این رمان در ۱۴۲ صفحه و با قیمت ۱۲ هزار تومان توسط نشر چشمه منتشر شده است.



- مهمانی تلخ
- سیامک گلشیری
- نشر چشمه
- ۱۴۲ صفحه
- قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

انتشار آدم‌ها و لباس‌های شان

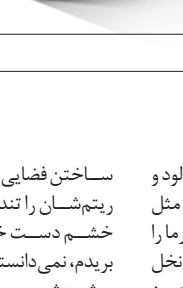
«آدم‌ها و لباس‌های شان» عنوان رمانی است نوشته لیندا گرات که با ترجمه مصطفی اسلامیبه و آنا سوسو کتاب نشر «پیکا» منتشر شده است و ویدا اسلامیبه نیز آن را ویراستاری کرده است. این رمان که تاریخ نخستین نوبت نشر آن سال ۱۳۹۶ تا با این جمله از جورج سیرتس آغاز می‌شود: «پس این همان روحی است که برای تو پرورده‌اند، همین لباس‌هایی که در تیرگی می‌درخشند و چون شعله‌ای سرکش می‌سوزند.» پشت جلد این کتاب نوشته شده: «همچی که از کوجه گذشت، بسر چهار راه شلوغی نزدیک ایستگاه مترو، دست‌های از پسرها را طرف مقابل، راست آمدند جلو... یانکی لباس می‌پوشیدم و همین تفاوت‌های آشکاری داشت با لباس‌هایی که اسکین‌دها می‌پوشیدند. مثلاً آنها پوتی‌های چرمی می‌پوشیدند، ما کفش‌های کتانی؛ آنها شلوارهای جین‌شان را تا بالای ساق



- آدم‌ها و لباس‌های شان
- لیندا گرات
- ترجمه مصطفی اسلامیبه
- نشر پیکا
- قیمت: ۲۹۵۰۰ تومان

نه چندان زیبا با هوشی متوسط

«نه چندان زیبا یا هوشی متوسط» نام رمانی است نوشته محمد جواد صابری که از سوسو نشر «چشمه» و در مجموعه کتاب‌های قفسه قرمز این نشر که ویژه آثار ساختارگرا، جریان‌گرایز و ضدناتور است، منتشر شده است. «صحرانامه تلخ از جایی شروع می‌شود که رامین ارژنگ که استاد دانشگاه است، در اتوبان منتظر ماشین است که یکی از شاگردان قدیمی‌اش به نام تورج او را می‌بیند.



- نه چندان زیبا
- با هوشی متوسط
- محمد جواد صابری
- نشر چشمه
- قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان

مجموعه شعر ترافیک منتشر شد

آن دختر نوجوانی است که یک نام را بر بخار تن شیشه، نوشته‌خط زد/ صدای تو انگشت‌خیز بسته ماهر تا زیر پیری است/ که در اشک‌ریز گلاب و گلایل/ گل از نام یک مرد می‌شست صدای تو سوسوی مهتاب‌در چشم‌های شبی بی‌پناه است صدای تو آتش نه، تو فان نه آه است



- ترافیک
- سوره آرش شفاعی
- نشر آردمان
- قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

مجموعه شعر جدید آرش شفاعی منتشر شد. جدیدترین مجموعه شعر آرش شفاعی با نام «ترافیک» فرشته منتشر شد. این کتاب ۷۷ شعر سپیدی این شاعر معاصر را در بر گرفته که در ابتدای آن نوشته است:

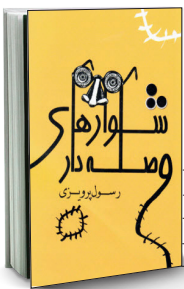
از ترافیک فرشته/ همین یادم ماند/ هر شش ثانیه/ کودکی از گرسنگی می‌میرد

آرش شفاعی، شاعر و روزنامه‌نگار متولد ۱۳۵۴ تاکنون مجموعه‌های شعر مختلفی منتشر شده است. او برگزیده و داور جشنواره‌ها و رویدادهای ادبی مختلفی نیز بوده است.

«ترافیک فرشته» را نشر آردمان در ۸۵ صفحه و بهای ۱۰ هزار تومان منتشر کرده است. شعر پایانی کتاب که به استاد «محمد رضا شجریان» تقدیم شده، به این شرح است:

نه باران
نه بوران
نه آتش نه آتش تو فان
صدای تو انگشت تبادر

سیاه‌شان به من آموختند که باید همیشه «رسول» باشم.» رسول پرویزی ۵۸ سال عمر کرد. به غیر از تکه سنگی که در حافظه شیراز نشانی از او دارد، دو کتاب هم نام او را زنده می‌کنند. «شلوارهای وصله دار» و «ولی سرمست». آثارش تصویری است از سیاهی‌های روزگاری که او در آن می‌زیست.



- شلوارهای وصله‌دار
- رسول پرویزی
- نشر آرمین گنبر
- ۲۴۴ صفحه

ساختن فضایی هیجانی و پرکشش جمله‌ها را کوتاه و ریتم‌شان را تند می‌کند. «فهمیدم چه کردم از هول و خشم دست خوردم و مادرش که خود را روی او انداخت بریدم، نمی‌دانستم چه می‌کنم. خون در قلبم می‌جوشید، پیش چشمم سیاهی می‌رفت، خون فواره می‌زد، اما افسر صدایش بلند نبود.»

رسول پرویزی کودکی‌اش را در فقر گذراند. از آن جان سالم به در برد، آن را نوشت تا بماند برای روزگار بعد، که ماند. در کنار نوشتن به سیاست هم پرداخت. نماینده چند دوره مجلس شد. اما خودش دوست داشت و می‌خواست که رسول قصه‌هایش باشد که شد.

«کنون بلند قدان مدارس عشایری چون مرا می‌بینند در میان مهاجران و کوچ ایلی با گرمی نگاه‌شان جان و تنم را و مهر و عاطفت خود گرم می‌کنند و می‌گویند نویسنده «قصه صبیحکم». اینان مرا هرگز صاحب کار و شغل و مقام نشناختند و چه خوب کردند. اینان در گرمی مهر چشمان

» روزهای آخر تابستان بود. هوای دشت گرم و مه‌آلود و خفه بود. زمین تفتیده بود و می‌جوشید. هرم گرم مثل آتش دوزخ بدن را می‌چزاند. بدتر آنکه باغ‌های خرما را آب داده بودند، مه گرم و نفس‌بری از وسط درختان نخل برمی‌خاست و گردآلوده را می‌گرفت. هنوز هوا روشن بود و اشعه خورشید مثل سوزن طلایی به چشم می‌نشت.» (قصه شیر محمد)

در قصه «زار صفر»، صفر را اینچنین توصیف می‌کند «صفر قدی بلند داشت، چهار شانه بود، کوهی را به جای تنه روی پا می‌کشید، سبیه چهره تند بود، آفتاب سیاه ترش کرده بود، وقتی می‌خندید دو رخ دندان سفید وسط لب‌های کلفتش مثل آفتاب وسط روز چشمش را می‌زد، بسیار تر و بزین بهادر بود، یک تنه صد مرد بود، سرش تراس و جنگجو و لچوجی داشت.»

یکی دیگر از مولفه‌هایی که نویسنده در خلق داستان‌هایش به آن توجه می‌کند، ریتم است. در قصه راز صفر برای

اختیار نداشت.

پرویزی داستان‌هایش را با زبانی ساده و بی‌پیرایه نوشته است. اهمیت زبان در خلق داستان را به اشتباه آسان و سهل‌نگرفته بلکه از آن به شکلی روان و متنوع استفاده کرده است. ساده نوشتن را کسر نشان ندانسته و قدرت داستان‌نویسی‌اش را در ساده‌نویسی نشان می‌دهد. او عبارات را از میان کلمات نامانوس و قلمبه‌نگذرانده و به دور نوشته خود سیم خارداری از ابهام و قلمبه‌نویسی نکشید است. او بر این عقیده بود که «باید به زبان مادری نوشت؛ سهل و ساده و بی‌پیرایه آن طور که می‌گویم بنویسم نه به طریق رمل و اسطرلاب.» داستان‌های شلوارهای وصله‌دار نشان می‌دهد او به آنچه گفته است در کارش هم وفادار مانده است. قصه‌های این کتاب فضا و اتمسفری جنوبی دارد. توصیف درخشان و زیبا از جغرافیا و همچنین خلق خوبی و ظواهر شخصیت‌هایشان در خلق اتمسفر جنوب و حس شدن آن کمک کرده است.



پرویزی

داستان‌هایش

را با زبانی

ساده و

بی‌پیرایه

نوشته است.

اهمیت زبان

در خلق

داستان‌ها به

اشتباه آسان و

سهل‌نگرفته

نگاه